

# نظم نوین جهانی

## و سه هدف عمده آمریکا در منطقه

جهان آغاز نموده که آن را در قالب نظم نوین ارائه می‌کند. در اروپای غربی، انگلیس کشوری است که غام حمایت از آمریکا را در این باره بر دوش می‌کشد. اینکه اروپای غربی، در کنار آمریکا باقی خواهد ماند یا نه و آیا آمریکا، حضور رقیبی نه چندان هم طراز را چگونه تحمل خواهد کرد؟ و یا اینکه اروپای متحد، مانعی برای اجرای این طرح خواهد بود؟ مسئله‌ای است که جای بحث دارد. در اروپای شرقی، که رفته رفته بقایای کمونیسم و سوسیالیسم را در خود هضم می‌کند، سه کشور کمونیستی سابق (لهستان، مجارستان و چک و اسلواکی)، برای پیوستن به بازار مشترک اروپا از خود اشتیاق نشان می‌دهند.

### ایران؛ خطری جدی

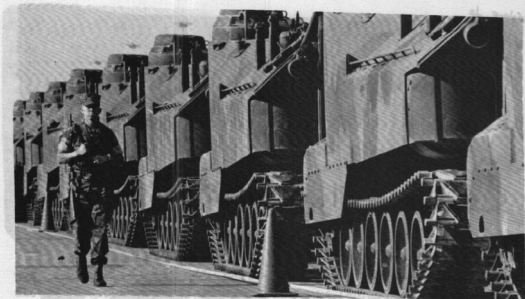
در بخش خاور دور، اتحاد تکنولوژی ژاپن و نیروی انسانی چین، خطری جدی برای اجرای این طرح به حساب می‌آید و در خاورمیانه، تهاکوری که ممکن است بتواند از جهانی، خواب آرام آمریکا را مشوش سازد، ایران خواهد بود؛ وگرنه نظم نوین جهانی آمریکا از نظر دولتمردان عرب از جمله امیر کویت «بسیار خوب» به بشریت برای جهانی عاری از ظلم و تجاوز یا مشارکت برادری و برابری است.»

ایران با فروپاشی تدریجی شوروی، آمریکا سیاستهای گذشته‌اش را که براساس دکترین مونروئه (آمریکا برای آمریکا) اجرا می‌شد تغییر داد؛ این کشور برای اجبران فرصت از دست رفته پس از جنگ جهانی دوم، که در اثر محفوظ ماندن از قدرت عظیم نظامی و اقتصادی‌اش در طول جنگ بدست آورده، ولی به‌علت بی‌تجربگی نتوانسته بود از آن فرصت طلایی استفاده کند، در حال حاضر به‌منظور بهره‌برداری بیشتر، تهاجم جدیدی را برای سلطه بر تمامی

کشورهای جهان را به‌طور کلی می‌توان به چند بخش تقسیم نمود و هر قسمت را به‌طور مجزا بررسی نمود. اولین بخش، کشور آمریکاست که براساس ارزشها و ایده‌آلهای آمریکائیان، خود مجری طرح خواهد بود و مصمم است که از این فرصت نادر- پایان جنگ سرد و تابش آفتاب دموکراسی بر اروپای شرقی و پیروزیهای جنگ خلیج فارس - کمال استفاده را بنماید.

### فرصت برای آمریکا

همزمان با فروپاشی تدریجی شوروی، آمریکا سیاستهای گذشته‌اش را که براساس دکترین مونروئه (آمریکا برای آمریکا) اجرا می‌شد تغییر داد؛ این کشور برای اجبران فرصت از دست رفته پس از جنگ جهانی دوم، که در اثر محفوظ ماندن از قدرت عظیم نظامی و اقتصادی‌اش در طول جنگ بدست آورده، ولی به‌علت بی‌تجربگی نتوانسته بود از آن فرصت طلایی استفاده کند، در حال حاضر به‌منظور بهره‌برداری بیشتر، تهاجم جدیدی را برای سلطه بر تمامی



نظامی و نگرانی از نیات تجاوزکارانه را کاهش دهد. مسئله کلیدی برای آمریکا، نقش او به عنوان رهبری اتحادی است که در واقع، خود بانی آن بوده است و این رهبری، به علت حذف تهدید شوروی، تقریباً مسئله‌ای حل شده است. در این صورت، نقش سازمان ملل سؤال برانگیز می‌شود. در بحران خلیج فارس، از نظر آمریکا، سازمان ملل نقشی را ایفاء نمود که بنیانگذاران آن، آرزویش را در سر می‌پروراندند و کشورهای راهبر جهان نیز هماهنگی و تضمین اقدام جمعی علیه متجاوز را بر عهده گرفته بودند. در استراتژی آمریکا برای نظام نوین جهانی، از وجود یک سازمان ملل تجدید حیات شده برای کمک به برقراری صلح و بهبود و شرایط زندگی بشر حمایت شده است. به طور کلی سیاستگذاران آمریکا باید تشخیص دهند که نظام نوین جهانی نمی‌تواند بر استانداردهای آمریکا استوار باشد. هم چنین به گفته یکی از سیاستمداران: «نمی‌توان احساس خانواده مشترک را در جایی که زمینه ندارد به زور تزیق کرد، حال تا چه حد آمریکا بتواند در جهت اجرای طرح تسلط مطلق یا برقراری اعتدال موفق باشد، مسئله‌ای است که آینده تبیین خواهد کرد.

وزیر خارجه آمریکا، پس از جنگ خلیج فارس به این منطقه، گویای اهمیت این مطلب می‌باشد. این جاست که ایران نفت خیز به عنوان کشوری مستقل در خاورمیانه، اهمیت چشمگیری می‌یابد. کشورهای افریقایی جهان سوم و آمریکای لاتین نیز، همیشه تابع متغیرهای جهانی خواهند بود.

#### اثرات نظم نوین بر مکاتب

مسئله مکاتب و اثراتی که این طرح به روی آنان خواهد داشت هنوز به عنوان علامت سؤال بزرگی مطرح است. کاپیتالیسم و سوسیالیسم، ملی‌گرایی و اسلام هر یک چگونه تعریف خواهند شد و واکنش این مکاتب در قبال نظم نوین جهانی چه خواهد بود؟ با اجرای این طرح، چه بر سر دولتها و ملتها خواهد آمد؟ آیا دولتها خواهند توانست قدرت خود را حفظ کنند و مستقل عمل نمایند و یا اینکه همه کشورهای، در حکم یکی از ایالت‌های آمریکا خواهند بود؟ کنترل تسلیحاتی از نظر آمریکا، اصل مهم در یک استراتژی متوازن است. کاهش توانایی نظامی می‌تواند انگیزه تهاجمات را از بین ببرد و از جهتی، تقویت تواناییهای